**٤٥ - وحدت بشر و محبّت و اتّحاد عُمومی [[1]](#footnote-1)**

از حضرت بهاءالله است در کتاب عهدی قوله جلّ و علا : مقصود این مظلوم از حمل شدائد و بلایا و انزال آیات و اظهار بیّنات اخماد نار ضغینه و بغضابوده که شاید آفاق افئده اهل عالم بنور اتّفاق منور گردد و بآسایش حقیقی فائز گردد .

و قوله الاعزّ : طوبی لمن یحبُّ العالم خالصاً لوجه ربّه الکریم .

و قوله الاجلّ : ای اهل ارض لعمری و عمرکم این مظلوم خیال ریاست نداشته و ندارد و مقصود رفع آنچه سبب اختلافات احزاب عالم و تفریق امم است بوده و هست تا کل فارغ و آزاد شده و بخود پردازند .

و در کتاب اقدس است قوله الاعلی : لا ترضوا لاحدٍ ما لا ترضونه لانفسکم اتّقوا اللهَ و لا تکوننّ من المتکبّرین کلّکم خُلقتم مِن الماءِ و ترجعونَ اِلی التّرابِ تفکّروا فی عواقِبکم و لا تکوننّ من المتکبّرین .

و در سورۀ هیکل است قوله الافضل : قل قد اَتَی المختارُ فی ظُلِ الانوار لیُحیی الاکوان مِن نفحاتِ اسمه الرّحمن و یتّحدَ العالمَ و یجتمعوا علی هذه المائدةِ الّتی نزلتْ من السّماء .

و قوله الاشمل : قل قد جاءَ الغلامُ لیُحییَ العالمَ و یتّحدَ مَنْ علی الارضِ کلّها

و در لوح دنیا است قوله الحق : فضل این ظهور اعظم آنکه آنچه سبب اختلاف و فساد و نفاق است از کتاب محو نمودیم و آنچه علّت الفت و اتحاد و اتفاق است ثبت فرمودیم نعیماً للعاملین مکرّر وصیّت نموده و مینمائیم دوستان را که از آنچه رائحۀ فساد استشمام میشود اجتناب نمایند بل فرار اختیار کنند عالم منقلب است و افکار عباد مختلف نسألُ اللّهَ اَنْ یزیّنَهم بنورِ عدلِه و یعرّفَهم ما ینفعُهم فی کلِّ الاحوالِ انّه هوَ الغنیُّ المتعالُ

و قوله الاکرم : طوبی از برای نفسی که در فراش تکیه نماید و قلبش به محبت اهل عالم منور باشد .

و در لوح دیگر قوله الاعلی : یا حق نظر مالک قدر در منظر اکبر عباد ارض را به آنچه که سبب تألیف قلوب و اتحاد و اتّفاق نفوس است امر مینماید اوامر و احکام الهی سبب اعظم و علّت کبری است از برای آسایش امم ولکن نظر به بید‌انشی از عرفان این مقام اعلی اکثری محروم‌اند اوهام عباد را بر سنّة الله و امره مقدّم میدارند تو و اهل ارض را وصیت میفرماید به آنچه که سبب تقدیس و تنزیه و راحت و تقرّب کلّ است بگو اوهام و ظنون را بگذارید و به اوار نیّر بیان مقصود عالمیان توجّه کنید اوست دوست یکتا و محبوب یکتا ذکرش مالک اذکار و امرش ملیک اوامر و احکام قُل ضعوا سننَ انفسِکم و خذوا سننَ اللّه انّها تحرسکم عمّا لا ینبغی لعباده انّه علی کل شیئیٍ قدیر از حق جلّ جلاله از برای کل استقامت میطلبم چه که امرش عظیم است و یوم عظیم .

در لوح بشارات است : همه اوراق یک شجرید و قطره‌های یک بحر . در الواح مذکوره در فردوس اعلی نازل شد آنچه که مصباح هدایت است از برای اهل عالم و بحر رحمت است از برای امم اِرجعوا الیها لِتَعرفوا ما نزلَ فیها من لدنْ منزلٍ قدیمٍ .

و قوله الاعلی : یا احبائی ما خُلقتُم لانفسِکم بلْ للعالم ضعوا ما ینفعُکم و خدوُا ما ینتفعُ به العالم .

و در لوحی دیگر قوله جلّ و عزّ بیانه : ای اهل عالم همه بار یکدارید و برگ یک شاخسار بکمال محبّت و اتّحاد و مودّت و اتفاق سلوک نمائید قسم به آفتاب حقیقت نور اتّفاق آفاق را روشن نماید .

و قوله الامنع : اُنظروُا الی ما دونکم کما تنظُرونَ اِلی انفسِکم هذا مذهبُ اللّه اِن انتم من العارفین و هذا دینُ اللّه لو انتم من السّامعین .

و قوله الاعزّ الامنع : قد جئنا لاتحاد من علی الارض و اتّفاقهم یشهد بذلک ما ظهرَ من بحر بیانی و لکنّ القوم اکثر هم فی بُعدٍ مُبین .

و قوله الاعمّ الابدع : ابهی ثمرۀ شجرۀ دانش این کلمۀ علیا است همه باریکدارید و برگ یک شاخسار لیس الفضل لمن یحبُّ الوطن بل لمن یحبّ العالَم .

و قوله الاتمّ الاحکم : یا حزب الله بخود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید اصلاح عالم از اعمال طیّبۀ طاهره و اخلاق راضیۀ مرضیه بوده .

و قوله الابدع الارفع : انّ ربکم الرّحمن یحبُّ اَن یری من فی الاکوان کَنفسٍ واحدةٍ و هیکلٍ واحدٍ اغتنموا فضلَ اللّه و رحمته فی تلک الایام الّتی ما رأَتْ عینُ الابدع شبهه طوبی لمن نبذ ما عنده ابتغاءَ لما عند الله نشهدُ انّه من الفائزین .

و قوله العمیم : آنچه سبب نفع عالم است هر چه باشد لدی اللّه مقبول و محبوب و دون آن هر چه باشد مردود چه که این ظهور محض نجات و اصلاح و اتّحاد و اتّفاق و راحت اهل عالم بوده .

و قوله جل و عز : کل را وصیت مینمائیم به امانت و دیانب و اعمال طیبه و اخلاق مرضیه تا عالم به طراز اخلاق مزیّن شود و نار بغضاء که در صدور ملل مختلفه مشتعل است به کوثر محبت اولیاء و نصائح مشفقه و مواعظ حسنه اطفاء پذیرد و من علی الارض یک حزب مشاهده شود این است اصل مقصود .

و قوله تمّت آیاته : اُنظروا العالمَ کهیکلِ انسان اعترته الامراض و برئه منوط باتّحاد من فیه اجتمعوا علی ما شرعناه لکم و لا تتّبعوا سبلَ المختلفین .

و قوله الاصرح الابلغ : ما جئْنا الّا لتطهیرِ نفوسِکم من الضّغینة و البغضاء یشهدُ بذلک مَن عنده امّ الکتاب .

و قوله الاعظم الاتم : نخستین گفتار دانا آنکه ای پسران خاک از تاریکی بیگانگی بروشنی خورشید یگانگی روی نمائید این است آن چیزی که مردمان جهان را بیشتر از همه چیز بکار آید دوست دانا میفرماید راه آزادی باز شده بشتابید و چشمۀ دانائی جوشیده از او بیاشامید بگو ای دوستان سراپرده یگانگی بلند شده بچشم بیگانکان یکدیگر رانبینید همه بار یکدارید و برگ یک شاخسار براستی میگویم آنچه از نادانی بکاهد و بر دانائی بیفزاید او پسندیدۀ آفریننده بوده و هست بگو ای مردمان در سایۀ داد و راستی روید و در سراپردۀ یکتائی درآئید .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله الحکیم : سیاست الهی مهربانی به جمیع بشر است بدون استثناء آن سیاست حقیقی است و این روش شایان نفوس مقدّسۀ رحمانیه

و در خطابی دیگر قوله اللّطیف : پس احبّای الهی باید در عالم وجود رحمت ربّ ودود گردند و موهبت ملیک غیب و شهود نظر را پاک نمایند و نوع بشر را برگ و شکوفه و ثمر و شجر ایجاد مشاهده کنند همیشه به این فکر باشند که خیری به نفسی رسانند و محبّت و رعایتی و مودّت و اعانتی بنفسی نمایند دشمنی نبینند و بدخواهی نشمرند جمیع من علی الارض را دوست انگارند و اغیار را یار دانند و بیگانه را آشنا شمرند و بقیدی مقیّد نباشند بلکه از هر بندی آزاد گردند الیوم مقرّب درگاه کبریا نفسی است که جام وفا بخشد و اعداء را درّ عطا مبذول دارد حتی ستمگر بیچاره را دستگیر شود و هر خصم لدود را یار ودود ... خلق را بخدا بخوانید و نفوس را به روش و سلوک ملأ اعلی دعوت کنید یتیمان را پدر مهربان گردید و بیچارگانرا ملجاء و پناه شوید فقیران را کنز غنا گردید و مریضان را درمان و شفا مُعین هر مظلومی باشید و مجیر هر محروم در فکر آن باشید که خدمت به هر نفسی از نوع بشر نمائید و به اعراض و انکار و ظلم و عدوان اهمیت ندهید و اعتنا نکنید بالعکس معامله نمائید و به حقیقت مهربان باشید نه بظاهر و صورت هر نفسی از احبای الهی باید فکر را درین حصر نماید که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار بهر نفسی برسد خیری بنماید و نفعی برساند و سبب تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار تا نور هدایت بتابد و موهبت حضرت رحمانی احاطه نماید محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید ای احبای الهی همّتی بنمائید که این ظلمت بکلی زائل گردد تاسرّ پنهان آشکار شود و حقایق اشیاء مشهود و عیان گردد .

و قوله المتین : این است صفت یزدانیان این است سمت بهائیان پس یاران باید با جمیع ملل بنهایت مهربان باشند ودلسوز و غم خوار نوع انسان ایرانیانی که در آن صفحات هستند هر قدر اجتناب کنند شما نزدیکی طلبید و هر قدر اذیّت کنند شما محبّت بنمائید و آنچه بد گویند شما ملاطفت فرمائید به هر وسیله که ممکن باشد نهایت دلجوئی را از آنها بنمائید از سبّ و لعن و هتک منزجر نگردید بلکه مانند چشمۀ آب حیات منفجر شوید باز محبت کنید الفت نمائید .

و قوله الحنون : زنهار زنهار که خاطری بیازارید و قلبی را شکسته نمائید و دلی را دردمند کنید و جانی افسرده نمائید و نفسی را پژمرده کنید ولو دشمن جان باشد و اهل عدوان .

و از خطاب به بهائیان امریکا است قوله الجلیل :

**هو الله**

ایها المنجذب بنفحات اللّه قد وصلنی تحریرک الا خیر الدالّ علی فرط محبّتِک لعبدِ البهاء و توکّلک معَ اللّه و حسن نیّتک الصّادقهِ فی خدمة امر اللّه و نعمَ البیان ما کتبتَ فی ذلک التّحریر الکریم بانّکم تحتاجون فی تلک الدّیار اِلی المحبّة و الاُلفة بینَ القلوبِ و الارواحِ و هذا هو الحقّ و ما بعد الحق الّا الضّلال اعلمْ حقّ الیَقین انّ المحبةَ‌سرّ البعث الالٓهی و المحبة هی التّجلی الرّحمانی المحبة هی الفیضُ الرّوحانی المحبّة هی النّورُ الملکوتی المحبّة هی نفثاتُ روح القدس فی الروّح الانسانی المحبّة هی سببُ ظهور الحقّ فی عالم الامکانیّ المحبّة هی الرّوابطُ الضّروریةُ المنبعثةُ من حقائقِ الاشیاءِ بایجاد الهی المحبّة هی وسیلةُ السّعادة الکبری فی عالَم الرّوحانی والجسمانیّ المحبّةُ هی نورٌ یهدی به فی الغیب الظّلمانی المحبّة هی الرّابطة بینَ الحقّ و الخلق فی عالم الوجدانی المحبّة هی سببُ الترقّی لکل انسانٍ نورانی المحبّة هی النّاموسُ الاعظم فی هذا الکون العظیم الالهی المحبّة هی النّظامُ الوحید بین الجواهر الفردیّة فی التّرکیب و التّدبیر فی التحقّق المادّی المحبّة هی القوّةُ الکلیّة المغناطیسیّة بین هذه السیّارات و النجوم السّاطعة فی الاوج العالی المحبّة هی سببُ الانکشافات لاسرارِ المودعة فی الکون بفکرٍ ثاقبٍ غیر متناهی المحبّة هی روحُ الحیات لجسم الکون الغیر المتناهی المحبّة هی سببُ تمدّنِ الاُمم فی هذه الحیوة الفانی المحبّة هی الشّرفُ الاعلی لکل شعبٍ متعالی و اذا وفّق اللهُ قوماً بها یصلّین علیهم اهل ملأ الاعلی و اهل ملکوت الابهی و اذا خلت قلوب قومٍ من هذه السّنوحات الرّحمانیة المحبّة الالهیة سقطوا فی اسفل درک من الهلاک و تاهوا فی بیداء الضّلال و وقعوا فی وهدة الخیبة و لیس لهم خلال اولئک کالحشرات العائشة فی اسفل الطّبقات یا احباء الله کونوا مظاهر محبّة الله و مصابیح الهدی فی الافاق مشرقین بنور المحبّة و الوفاق و نعمَ الاشراق هذا الاشراق یا عزیزی علیک باَنْ تطبعَ هذا الکتاب و تنشره بینَ الاحباب فی امریکا حتّی یتّحدوا و یتّفقوا و یحبّوا بعضهم بعضاً بل یحبّوا جمیعَ البشر و یفادوا ارواحهم بعضهم بعضاً هذا سبیلُ البهاء هذا دینُ البهاء هذا شریعةُ البهاء و مَن لیس له هذا فلیس له نصیبٌ مِن البهاء و علیکم التحیّة و الثناء . ع ع

و در سفرنامۀ امریکا است قوله العظیم : هر امر عمومی الهی است و هر امر خصوصی بشری .

1. بشود که ما نسبت به دیگران از محبّت و سخاوت خود مضایقه ننمائیم چنانکه اهورامزدا رحمت خود را از همه آفریدگان دریغ ندارد آفرین بزرگان اگر من نسبت بغریبی که بشهر ما پناه آورد نوازش ننموده‌ام اگر من دیگران را در سختی امداد نکردم اگر من کسی را از گرسنگی و تشنگی و سرما و گرما حفظ ننمودم اگر من به حیوانات آزار رسانیده و آنها را زده‌ام من اشتباه کرده و از این گناه‌ها پشیمانم و توبه میکنم . [↑](#footnote-ref-1)